

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال سیزدهم - شماره دوم - اردیبهشت ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۴۸

مقاله غیرسبک‌شناسی

گونه‌شناسی اشعار کلهری

(ص ۲۳۳-۲۵۴)

سعید سروش‌زاده، فاطمه توکلی رستمی^۲ (نویسنده مسئول)، حسین یزدانی^۴

تاریخ دریافت مقاله: تابستان ۱۳۹۸

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: تابستان ۱۳۹۸

چکیده

شعر و شاعری در میان قوم کلهر از اهمیتی ویژه برخوردار است. این ویژگی به دلیل قرار گرفتن در بستر طبیعت، کوه، دشت، جنگل، رودخانه و استفاده از این مواهب الهی است. از آنجا که پژوهنده خود از گویشوران این قوم است و با درونمایه و مضامین این اشعار آشناست، بر آن است تا نشان دهد که چگونه سروده‌های قومی در برقراری ارتباطات-اجتماعی، تداوم فرهنگ و پاسداری از میراث فرهنگی و انتقال آن به نسلهای بعد، نقشی بسزا دارد. از این رو به کارکردهای اشعار کلهری در زندگی مردم و نقش آن در کار و فعالیت‌های روزانه پرداخته شده است. هدف اصلی در این پژوهش طبقه‌بندی گونه‌های شعر کلهری است که با توجه به مضامین و کارکردهای اجتماعی به هفت طبقه تقسیم شده است. اشعار نیایش. اشعار خواب و نوازش. اشعار کار. اشعار سوگ. اشعار سرگرمی. اشعار سرور. اشعار تغزلی. در این پژوهش شیوه کار به سبک کتابخانه‌ای و در پاره‌ای موارد تحقیقات میدانی است و به روش تحلیلی - توصیفی اشعار کلهری طبقه‌بندی و تحلیل شده‌اند. نتایج مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که ضرب‌المثلها و واگویه‌ها در گونه اشعار کلهری قرار نمیگیرند. مضامین هوره در گذر زمان تحول یافته‌است. باورهای دینی و آیینی مخصوصاً در اشعار کار جایگاهی ویژه دارد.

کلیدواژه: ادبیات علمه، شعر کلهری، ادبیات شفاهی، کرد قوم کلهر

۱ - تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده اند.

۲ دانشجوی دکتری دانشگاه پیام نور، (soroush3142@gmail.com)

۳ استادیار دانشگاه پیام نور، (maahoor1tr@gmail.com)

۴ دانشیار دانشگاه پیام نور، (h_yazdani@pnu.ac.ir)

The Typology of Kalhori Poetry

Fatemeh Tavakkoli Rostami,^۱ Hossein Yazdani,^۲ Saeed Soroush Zadeh^۳

Abstract:

Poem and poetry among the Kalhor tribe is of particular importance. This feature is due to being on the bed of nature, mountain, plain, forest, river and the use of divine blessings. Since the researcher is one of the folk dialects and is familiar with the themes and contents of these poems, he is intended to show how the folk poetry in establishing social communication, the continuity of culture and protection of cultural heritage and its transmission to the next generation, it has a great role. Hence, has been studied the function of Kalhori poems in the lives of people and their role in daily work and activities. The main purpose of this study is classification of Kalhori poetry species, which is divided into seven categories according to contents or themes and social functions. 1. The poems of worship. 2. The poems of caress and sleep. 3. Work poems. 4. Grief or sorrow poems. 5. Entertainment poems. 6. Joy poems. 7. Lyrical poems. In this study, the method of study is library style and in some cases field research, and analytical-descriptive method of the Kalhori poetry has been categorized and analyzed. The results of the studies show how that proverbs and quotations are not included in the form of Kalhori verses. The contents or themes "Horeh" have changed over time. Religious beliefs, especially in the poems of work, have a special place.

Keywords: Folklore Literature, Kalhori Poetry, Oral Literature, Kurd, Kalhor Tribe.

^۱Assistant Professor of Payame Noor University, (maahoor1tr@gmail.com)

^۲Associate Professor of Payame Noor University, (h_yazdani@pnu.ac.ir)

^۳Ph.D. Student of Payame Noor University (Responsible Auther(Writer)), (soroush3142@gmail.com)

۱- مقدمه

در میان اقوام موجود در ایران، قوم کرد به دلیل ریشه‌های تاریخی طولانی مدت و نیز دربرداشتن انواع پاره‌فرهنگها و اجزای فرهنگی که ریشه در ایران باستان دارد و تا امروز نیز تا حد زیادی اصالت خود را حفظ کرده است از جایگاهی خاص برخوردار است. «اساساً در فرهنگ ایرانی هر آدابی و آیینی و رسمی با شعر همراه است. کمتر رسم کهنی را می‌شناسیم که شعر در جزئی از آن و یا تمام آن نباشد.» (زبان و ادبیات عامه ایران، ذوالفقاری: ص ۳۴۰)

نام ایل کلهر از دو کلمه «kal / کل» به معنی عبور از گردنه و «var / ور» به معنی پریدن تشکیل شده است و «kalvar / کلور» کنایه به چست و چاکی مردم این ایل در راه رفتن و کارهای جنگی است. از این رو به بز کوهی که از صخره‌ای به صخره دیگر می‌پرد تشبیه شده‌اند و چون فارسی زبانان نمی‌توانستند کلور را تلفظ کنند به اشتباه آن را کلهر می‌گفتند. تا جایی که این واژه در مکاتبات دولتی و اسناد و مدارک حکومت‌های وقت نیز راه یافت و از دیر باز نام این ایل به کلهر معروف گردید. (مقدمه‌ای بر شناخت ایلها، چار نشینان و طوایف عشایری، افشار سیستانی: ص ۱۱۸۹)

اشعار کلهری به نحوی طراحی و تنظیم شده‌اند که بطور طبیعی برای بیان هر نوع احساس آوازی خاص بکار می‌رود. برای مثال هنگام عزا و مصیبت در مراسمی که به «چمر / čamar» معروف است ابیاتی با لحن مخصوص عزا خوانده می‌شود و یا زنان بر سر مزار مردگان، آوازی به اسم «mur / مور» یا «پایه موری / paýamuri» با لحنی غمناک می‌خوانند و یا مردان در بیان غم غربت «نوستالژی» آواز «هوره / hura» سرمی‌دهند که عبارت است از تحریرهایی پیوسته همراه با بیان احساس معنوی و حالت‌های عرفانی.

اشعار کلهری که بخشی از ادبیات شفاهی این قوم است، عملاً زمینه را برای بررسی روش‌های ارتباط اجتماعی درون قومی و نیز شیوه‌های انتقال میراث‌های فرهنگی در حوزه ادبیات شفاهی فراهم می‌کند. همچنین شناخت روحیات، خلیات و رفتارهای یک قوم، از طریق مطالعه بومی سروده‌های آن قوم امکانپذیر است. از دیگر سو، میزان تحولات اجتماعی و فرهنگی را در میان آن قوم نشان می‌دهد. این نوشتار در پی آن است تا گونه‌های شعر کلهری را طبقه‌بندی کرده و کارکرد آن را در زندگی روزانه مردم مورد تحلیل و بررسی قرار دهد.

۲- اهمیت و ضرورت

مطالعه و بررسی اقوام و فرهنگهای قومی از جمله نخستین مطالعاتی است که در ایران انجام شده است. بررسی فرهنگ شفاهی اقوام مختلف، ما را با ریشه پیدایش واژه‌ها و نیز ادبیات و فرهنگ یک قوم آشنا میکند. بررسی آوازه‌های کلهری که بخشی از ادبیات شفاهی این قوم است، عملاً زمینه را برای بررسی روشهای ارتباط اجتماعی درون قومی و نیز شیوه‌های انتقال میراثهای فرهنگی در حوزه ادبیات شفاهی فراهم میکند.

بررسی آوازه‌های کلهری امکان درک وسعت کلام و واژه‌های دربرگیرنده ادبیات و فرهنگ این قوم را فراهم کرده، زمینه را برای مطالعه و بررسی تحولات ساختاری ادبیات شفاهی و به دنبال آن تغییرات فرهنگی و قومی فراهم میکند.

امروزه در سراسر جهان بررسی ادبیات شفاهی اقوام از اهمیت و ارزشی خاص برخوردار است. سالانه عده قابل توجهی از مردم‌شناسان از سراسر جهان برای مطالعه اقوام و فرهنگهای قومی و نیز ادبیات شفاهی اقوام ایرانی و بررسی زبان و گویشها بویژه کردی به ایران سفر میکنند. درک و فهم مناسب از فرهنگ اقوام که در ادبیات شفاهی آنها تبلور یافته است، امکان ارتباط و روابط مختلف فرهنگی و اجتماعی را با آنها تسهیل میکند. آوازه‌های کلهری به عنوان کلید فهم و درک ادبیات شفاهی مردم کلهر و به دنبال آن فرهنگ و آداب و رسوم و سنتهای این قوم از اهمیت خاصی برخوردار است که در این مطالعه مورد بررسی قرار میگیرد.

۳- پیشینه و روش تحقیق

با توجه به مطالعات انجام شده تا کنون در مورد گونه‌شناسی شعر کلهری پژوهشها و مرزبندیهای دقیقی انجام نشده است، اما برخی از مطالعات و تحقیقات بطور کلی به بخشهایی از اشعار کلهری پرداخته‌اند که در جای خود ارزشمندند. به چند مورد از آنها میپردازیم:

کلهرنامه، محمدی، ناهید (۱۳۹۱). انتشارات دستان. مولف در این کتاب، بومی سروده‌های کلهری را به روش میدانی جمع‌آوری کرده و اشعار را بدون شرح و بسط و بدون ذکر نام گویشور آورده است. فقط در برخی موارد به توضیح برخی از واژگان پرداخته است.

مردم‌شناسی قوم کرد با تکیه بر ایل کلهر، جعفریگی، خسرو (۱۳۸۲). انتشارات زانیا کرمانشاه. نویسنده در این کتاب در بخش ویژگیهای فرهنگی ایل کلهر، فصل اول

ادبیات شفاهی (۱۷۶-۲۶۷) به اشعار کلهری در قالب سنن و آداب و رسوم پرداخته‌است. و در برخی موارد اشعار را ترجمه و آوانگاری کرده است. فرهنگ عامه کرد پرنیان، موسی (۱۳۸۰). انتشارات چشمه هنر و دانش. هوره یادگار اجداد کرد باوان‌پوری، مسعود (۱۳۹۶). دو ماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه. سال ۶. ش ۲۳. طبقه‌بندی موضوعی چيستانه‌های عامیانه ایلامی. شوهانی، علیرضا (۱۳۹۳). دو فصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه. سال ۲. ش ۴. آیین سوگواری و مرثیه‌ها در ایل کلهر ایران. سروشزاده، سعید (۲۰۱۰). «orientalia». ش. ۱۰. ص ۷۹-۸۶. ایروان. (پژوهنده). پژوهشی در بازیه‌های زبانی ادبیات عامه کردی ایلام. سهراب‌نژاد، علی‌حسن (۱۳۹۵). فصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه. سال ۴. ش ۸. زیبا شناسی ضرب المثل‌های کردی ایلامی از دیدگاه علم بیان. عزیزی‌فر، امیر عباس (۱۳۹۲). فصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه. ش ۲.

در این پژوهش شیوه کار به سبک کتابخانه‌ای و در پاره‌ای موارد تحقیقات میدانی است و به روش تحلیلی - توصیفی اشعار کلهری طبقه‌بندی و تحلیل شده‌اند. با توجه به مضامین و کارکردهای اجتماعی گونه‌های شعر کلهری از این قرارند: اشعار نیایش. اشعار خواب و نوازش. اشعار کار. اشعار سوگ. اشعار سرگرمی. اشعار سرور. اشعار تغزلی.

۴- اشعار نیایش

۴-۱- هوره (hura)

«هوره» از قدیمیترین و باستانیترین آوازهای ایرانی است که با استفاده از حنجره و زیر و بمی تارهای صوتی ادا میشود. هوره نیازی به آلات موسیقی ندارد و مانند اوپرا از حنجره ادا میشود. «هوره‌چر / huračer»^۱ با مهارت خاصی به آن آهنگ میدهد. نُوستالژی یا غم غربت، مهمترین درونمایه هوره است. هوره از ریتم آزاد پیروی میکند و هوره‌چر خود خالق اشعار آن است چون منولوگهای درونی او را بازگو میکند و در پاره‌ای از موارد اشعاری که سینه به سینه منتقل شده است. هوره‌چر از آنها استفاده میکند؛ بنابراین هوره یکی از مهمترین عناصر در انتقال ادبیات شفاهی میباشد. معروف است، نکیسای باربد برای خسرو و شیرین هوره میخواند.

هوره از قدیمیترین ترانه‌های کردی است که شامل آوازاها و نیایشهای باستانی مربوط به

۱ - کسی که هوره می‌خواند و مقامهای آواز هوره را کاملاً می‌داند.

ستایش اهورا مزدا میشود و پیروان آیین زردشت در مناطق کردنشین به هنگام ستایش اهورا مزدا آن را میخوانند.

درونمایه هوره را عناصری از قبیل عشق و عاشقی، کوچ ایل، وصف جنگهای جنگجویان غیور، غم غربت و وصف طبیعت تشکیل میدهد. این آواز بیشتر در مناطق کلهر، گوران، سنجابی و قلخانی رواج دارد.

هوره از ریتم آزاد پیروی میکند. برخی از مقامهای هوره عبارتند از بان‌بنه‌ای، بنیری چر، پاه موری، قطار، هجرانی، مجنونی، سحری، هی لاه و...^۱ مضامین هوره در دوران مختلف تطور و تحول یافته است. در دوره ساسانیان بیشتر نیایش و مناجات بوده است. که نکیساً در دربار خسرو پرویز میخواند. بعدها بیشتر در وصف طبیعت و سوار کاری سرده میشود. امروزه مضمون هوره بیشتر عاشقانه است.

۱-۱-۴- اشعار هوره در وصف طبیعت

فہسل نہو وہہار زو مہچوو لہ سہر / گولان مہمانوون وہ رنج بی‌وہر
 fasle naw wahār zū maču la sar / goļān mamānun wa řanje bēwar

برگردان: فصل نوبهار زود سپری می‌شود / رنج و زحمت گل‌ها به هدر می‌رود.

وہہار وہی نہغمہی چہندین رہنگہوا / ہہر مہلی گولی گرت وہ چہنگہوا
 wahār waḡ naḡmaḡ čandin řaḡawā / har malē goļē gert wa čaḡawā

برگردان: بهار با آن نغمه‌های رنگارنگش آمد / و هر پرندہ‌ای گلی به منقار گرفته‌است.

پہل پہل درہختہیل بی واو بی‌واران / سہوز مہکەن لہ بان شیشہ مہ غاران
 pal pal draxtayl bē wāw bē wārān / sawz makan labān šiša maḡārān

برگردان: چه درختهای گوناگونی که بدون باد و باران / روی تخته سنگهای که مثل شیشه صاف هستند سبز می‌شوند.

۲-۱-۴- اشعار هوره در وصف معشوق

علی‌نظر اهل اسلام آباد غرب است. او زبانی پاک و بی‌آلایش دارد، حریم محبوب را نگه میدارد و از دور به توصیف زیباییهای او میپردازد. معشوق او گویی دست نیافتنی است. وی

صرف محبوب را توصیف میکند و ویژگیهایی را برمی‌شمارد که مختص به شخص خاصی نیست؛ در قید نزاکت ادبی است. از این رو ویژگیهای معشوق او فراگیر است. اکنون نمونه هایی از اشعار هوره در وصف معشوق از علی نظر ذکر میشود:

نمونه: نه قاقهز دیرم نه قهلهم دهوات / راز دله گهم بنوسم نراد

na qāqaz dērem na qaḷam dawāt / rāze deḷagam benūsem ?eṛād

برگردان: نه کاغذ و نه قلم و مرکب دارم. که از راز دلم برایت بنویسم.

نمونه: بنوور وهی قاقهز لهی دووس دوره / بزآن چوه نوساس له چوه دلگیره

benuṛ waḡ qāqaz laḡ duse dūra / bezān čwa nūsās la čwa deḷgira

برگردان: این نامه دوست که از راه دور و دراز آمده‌است را بخوان. ببین چه نوشته و از چه چیزی ناراحت است.

نمونه: چه‌تر چو چه‌ویر چه‌ویر چو چه‌تر/ په‌روه‌دهی کردگه وه گولاوو عه‌تر

čater čü čawir čawir cü cater / parwardaḡ kerdeḡa wa golāwo ater

برگردان: زلفش را نمیتوان از سنبل تشخیص داد. آن را با عطر و گلاب پرورش داده‌است.

۳-۱-۴- اشعار هوره از صید قلی کشاورز

صید قلی کشاورز یکی از بزرگترین هوره‌سرایان معاصر است که در روستای لاله‌وند ماهیدشت (استان کرمانشاه) زندگی میکند و شمار زیادی از هوره‌های وی زینتبخش خانه‌های علاقه‌مندان نوای سنتی کردی است. وی در هوره خویش به توصیف معشوق توجه دارد و در قالب این نوا، به بیان مشکلات عشق و نیز بی وفایی محبوب یا دردی که در این راه متحمل شده‌است، می‌پردازد. (هوره یادگار اجداد کرد، باوان پوری، ۱۳۹۶)

نمونه: به وه کوو چیه ئی کهس نه‌مایه / سه‌روینی له برج کوئه‌لبرز نایه

ya wa ku čēḡa ?ē kas namāḡa / sarwēnē la berj kü ?aḷberz nāḡa

برگردان: به کجا رفته‌است - خدا کند همه بستگانش بمیرند / سربندی به بزرگی کوه البرز بر سر گذاشته‌است.

نمونه: سه‌روین به‌ساسه و چه‌پی چه‌واشه / ئه‌برووه‌یل له تار تیژبال واشه

sarwēn basāsaw čapičawāša / ?abruwayl la tār tēzbāḡe wāša

برگردان: سربندش را کج و هنرمندانه بسته است. ابروان کشیده‌اش به بال بلند پرنده
شکاری می‌ماند.

نمونه: کوچ کورده‌مال دایم هاله رهو / نازاران کیشن که‌ساله‌تی خهو

kuče kordamāl dāyām hāla řaw / nāzārān kišen kasālati xaw

برگردان: عشایر همیشه در حال کوچ‌اند. و نازپروردگان همیشه کمبود خواب دارند.

۴-۱-۴- هوره ابراهیم حسینی

ابراهیم (بریم / bareym) اهل سومار از توابع کرمانشاه است. وی پس از جنگ ایران و
عراق جلائی وطن کرد و در شهر ایوان غرب از توابع استان ایلام سکنی گزید. موضوع
سروده‌های وی عشق عارفانه است که گاهی به معشوق زمینی می‌رسد. اشعار حماسی هم
دارد که متأثر از رشادتهای دوران دفاع می‌باشد.

نمونه: سه‌روهن به‌ساسه‌و له هه‌زاردە‌سان / مهر عسک شیرین له قه‌ی تاق‌وه‌سان

sarwan basāsaw la hazārdasān / mar ‘aske šērin la qaŷ tāqwasān

برگردان: سربندی بر سر بسته که هزار نقش و نگار دارد. شاید عکس شیرین بر روی تاق
بستان به زیبایی آن باشد.

نمونه: ده زمال ته نکه‌گه‌د بنه له گیرفان / پهی عهره‌ق سرین ریه‌گهی کرماشان

dazmāl tanekagad bena la girfan / paŷ ‘araqseřin řŷagaŷ kermāšān

برگردان: دستمال نازکت را در جیبیت بگذار؛ تا هنگام رفتن به کرمانشاه عرق‌هایت را با آن
پاک کنی.

نمونه: شه‌رتوو وه داخه‌د بچم نامه‌وا / جوور به‌یرام وه داخ گول‌ئه‌نامه‌وا

šartu la dāxed bečem nāmawā / jur baŷrām wa dāxe goḷanāmawā

برگردان: شرط باشد از غم تو بروم و دیگر برنگردم. مثل بهرام که از غم گل‌اندام رفت و
دیگر برنگشت.

کاربرد واژه‌های حماسی، ملی، تاریخی، باستانی و... همچون البرز، تاق بستان، شیرین،
کرماشان، گولونی، گل اندام، بهرام و... از ویژگیهای اشعار هوره اوست.

۵- اشعار خواب و نوازش

۵-۱- لالائیه‌ها

آواهای درونی انسان که بیشتر در خلوت زمزمه می‌شود، کم‌کم در زندگی روزمره به صورت نمود آوایی درآمد. صدای دل‌انگیز محزون همراه با غم غربت به گوش می‌رسید و امیدها و آرزوها را درخود نهفته داشت. زیر و بمی هجاها با فراز و نشیب اصوات به هم درآمیخت که به مخاطب آرامشی درونی میداد. این آواها که بعداً لالایی نام گرفت در گویش کلهری به نام «لاوه لاه» / *lāwa lāwa* معروف است و با همین واژه ثبات پیدا میکند.

هر چند که گروهی برآنند در اصل با «هوره» یکی بوده است و جزء یکی از تقسیمات هوره (*hura*) است.

اما با سه ویژگی از هوره قابل تفکیک است:

- هوره بیشتر به وسیله مردان اجرا می‌شود اما لالایی اغلب توسط زنان خوانده می‌شود.
- آهنگ هوره و مقامهای آن با لالایی فرق می‌کند. لالایی معمولاً در یک مقام خوانده می‌شود اما هوره مقامهای مختلفی دارد.
- مضامین هوره محدودیت ندارد، اما لالایی بیشتر برای کودکان و یا موقع دوشیدن گاو و گوسفند و مشک زدن به کار می‌رود.

لالایی در گویش کلهری با وزن هجایی و در مصراعهای ۸ یا ۱۰ هجایی، یعنی در ابیات ۱۶ یا ۲۰ هجایی سروده می‌شود.

مثال برای ده‌هجایی:

لا	وه	لا	وه	گه‌م	له	دی	دهو	له	دل
<i>lā</i>	<i>wa</i>	<i>lā</i>	<i>wa</i>	<i>gam</i>	<i>la</i>	<i>di</i>	<i>daw</i>	<i>la</i>	<i>deɭ</i>
گا	پا	ره‌د	ب	نهم	له	سای	دا	ر	گول
<i>gā</i>	<i>Pā</i>	<i>rad</i>	<i>Be</i>	<i>nam</i>	<i>la</i>	<i>sāy</i>	<i>dā</i>	<i>re</i>	<i>goɭ</i>

در وزن هجایی فقط تعداد هجاها برابر هستند کوتاه و بلند بودن هجاها ملاک نیست.

مثال برای هشت هجایی:

ما	نگای	خوه	می	خوه م	دوو	ش	مهد
<i>mā</i>	<i>ŋāy</i>	<i>xwa</i>	<i>mi</i>	<i>xwam</i>	<i>du</i>	<i>še</i>	<i>mad</i>
قم	شی	نیه	که‌م	بف	روو	ش	مهد
<i>qem</i>	<i>Ši</i>	<i>Nya</i>	<i>kam</i>	<i>bef</i>	<i>ru</i>	<i>še</i>	<i>mad</i>

در لالایی هر مصراع خود به دو نیم مصراع (وزن دوری) تقسیم می‌شود. مکشی که بین دو نیم مصراع ایجاد می‌شود خود بر موسیقایی لالایی می‌افزاید.
انواع لالئوها:

۵-۱-۱- لالائی برای کودکان (مادرانی که در پای گهواره برای فرزندانشان می‌خوانند).

لاوه لاوه گهم لاوهم بهر باری / خوهم بووم وه پاوهو کورهم ژن باری
 lāwa lāwagam lāwam bar bāre / xwam bum wa pāwaü koram žen
 bārē

برگردان: آن قدر لالایی می‌خوانم تا لالایم به بار بنشیند. خودم کارهای ازدواج پسر را ردیف می‌کنم.

گاپاره‌ی زهرین بتاشم له چوو / ئرا کوره‌گهم هه بایدوو بچوو
 gāpārāy zařin betāšem la ču / ?eřā kořagam ha bāydu beču

برگردان: گهواره زرینی از چوب برای پسر بسازم. تا این گهواره همیشه تکان بخورد.
 لاوه لاوه گهم م ئراد ئو شم / دگان مرواری قاقوول ئه‌وریشم
 lāwa lāwagam me ?eřād ?üşem / değān merwāri qāquļ ?awrēšem

برگردان: من برای تو لالایی می‌خوانم. ای که دندانهای مثل مروارید و کاکلت مثل ابریشم است.

۶- اشعار کار

مردم کلهر در انجام کارها به همدیگر کمک می‌کردند و بیشتر کارهای کشاورزی و دامداری را به صورت دسته جمعی انجام می‌دادند. این عمل موجب اتحاد و همبستگی بین آنها می‌شد. (مردم‌شناسی قوم کلهر، جعفریگی: ص ۳۴۵) در کتاب مردم‌شناسی قوم کلهر می‌گوید: «ایل کلهر هم از این تعاون در زمینه‌های مختلف کاری از جمله کشاورزی و دامپروری، مستثنی نیست و دارای همیاریهایی همچون «شیرواره، برینه، گله جفت، گله درو» به هم کمک می‌کردند. در زیر نمونه‌هایی از اشعاری که هنگام انجام دادن این کارها زمزمه می‌کردند به عنوان نمونه می‌آوریم:

۶-۱- هنگام دوشیدن گاو و گوسفند

هنگام دوشیدن شیر این اصوات و آواها را تکرار می‌کنند.
 پهی پهی پهی (البته پ را با لرزش لبها تکرار می‌کنند) paŷ paŷ paŷ paŷ
 نمونه: مانگای خوه‌می خوه‌م دووشمه‌د / قمشی نیه‌که‌م بفرووشمه‌د.
 māñāy xwami xwam dušemad/ qemši nyakam befrušemad

برگردان: ماده گاو خودم هستی. خودم تو را میدوشم. رضایت به فروختن تو ندارم.

نمونه: مانگای خوهمی خوهم دووشمهد / هزارتمه‌ن نیه فرووشمهد.

māñāy xwami xwam dušmad/ Hezār teman nyafrušmad

برگردان: ماده گاو خودم هستی خودم تورا میدوشم. حتی به هزار تومان تو را نمیفروشم. اقتصاد مردم کلهر بر پایه دامداری و کشاورزی است. به همین خاطر ارزش خاصی برای برای حیوانات اهلی قائلند چون زندگیشان به وجود آنها وابسته است. نگارنده بارها از زبان مردمان آن دیار شنیده‌ام که گفته‌اند قاطر فلانی پسری میارزد.

نمونه: خه‌یر هاوردیه خه‌یر هاوره‌گه‌م / میه‌وان ته‌زیز ته‌وری خه‌ره‌گه‌م.

xaŷr hāwerdiya xaŷr hāwaragam / myawāne ?aziz ?awrē xaragam

برگردان: خیر آورده‌ای ای خیرآور من! از مهمان عزیز من (با شیرت) پذیرایی میکنی. آنها وجود گاو و گوسفند را مایه خیر و برکت میدانند. زیرا با وجود گاو و گوسفند است که میتوانند از مهمانان پذیرایی کنند. چون مهمان نوازی از ویژگیهای ایل کلهر است، به این سنت حسنه افتخار میکنند و اشعارشان سرشار از این مضامین است.

نمونه: پهی پهی گیانه‌گه‌م وه خه‌یر بایده‌وا / ئرا تووریاپیده گوور هالاده‌وا

paŷ paŷ gyānagam wa xaŷr bāydawā / ?eřā turyayda gur hālādawā

برگردان: پهی پهی جانم به خیر و خوبی برگردی. برای چه قهر کرده‌ای؟ گوساله‌ات کنار توست.

از دیگر ویژگیهای زنان ایل کلهر این است که موقع دوشیدن گاو گوسفند با او ارتباط عاطفی برقرار میکنند، با او حرف میزنند و او را به آرامش فرا میخوانند زیرا بدون وجود آنها که مایه خیر و برکتند زندگی چیزی کم دارد.

۶-۲- هنگام مشک زدن

نمونه: مه‌شکه بژه‌نیه له که‌ره‌ی پهی / ئاو ئراد بارم له جوو شه‌روه‌تی

maška bežanya la karaŷ pati / ?āw ?eřād bārem la ju šarwati

برگردان: ای مشک زده شو و کره‌ی کامل به من تحویل بده. تا از جویی که آب زلال دارد برای آب بیاورم.

نمونه: مه‌شکه بژه‌نیه له که‌فوو که‌ره / ئاو ئراد بارم له جوو سه‌یمه‌ره

maška bežanya la kafu kara / ?āw ?eřād bārm la ju saymara

برگردان: ای مشک پر از کف و کره زده شو. تا برای آب از رودخانه سیمه‌ریا بیاورم.

مه‌شکه بژه‌نیه له راگه‌ی عه‌لی / ئاو ئراد بارم له جوو منه‌لی

maška bežanya la řagaŷ ‘ali / ?āw ?eřād bārem la ju menali

برگردان: ای مشک به خاطر حضرت علی زده شو. تا از رودخانه‌ی مندلی برای آب بیاورم.

مردمان این اقوم به حضرت علی(ع) ارادتی خاص دارند. هنگام دست دادن و خدا حافظی یا علی میگویند و سروده‌هایشان سرشار از ذکر علی است به همین خاطر است که هنگام مشک زدن او را به حضرت علی قسم میدهند و از مشک میخواهند که کره بیشتری به آنها بدهد. همچنین به زلالی آب ایمان دارند و از دو رود سیمره و کنگیر به نیکی یاد میکنند.

۷- اشعار سوگ

۷-۱- سوگهای دینی و مذهبی

در ماه محرم در عزای امام حسین آیین «شاحسین واحسین» را به جا میآورند و این سروده را زمزمه میکنند:

شا حسین و اش حسین / ترا قتل ئیمام حسین

و زنان ناله کنان میگویند: کولنجه بورم له ترمه / ترا حسین یه تیمه

kolanja burem la terma / era hesein yatima

برگردان: قبایی از ترمه برای حسین یتیم بر تن کنم.

کوله‌نجه بورم له مروت / ترا حسین داوت (فرهنگ عامه کرد، پرنیان: ص ۲۲۸)

kolanja burem la mawet era hesein dawt

برگردان: قبایی از جنس ماهوت برای حسین داود بر تن کنم.

همچنین میگویند:

فاطمه نیشت له خوله کو / هه دلا بری وه چه‌قو

fatema ništ la xolaku / hardela beri wa čaqu

برگردان: فاطمه در خاکستر نشست و گیسوانش را قیچی کرد. و این نمونه دیگر از

ترکیب آیینهای باستانی با باورهای مذهبی است.

اره‌ی واوه‌یله / سای دوا وه‌یله

arhay wawayla say deva waila

نکته قابل توجه در اشعار کلهری این است که گاهی وزن و قافیه بر مضامین ترجیح پیدا میکند. چون اکثر این اشعار مکتوب نمیشدند آهنگ و وزن آن قابلیت بیشتری برای از بر کردن و انتقال سینه به سینه داشت. مثال بالا نمونه بارزی از این نوع است.

۷-۲- سوگهای قومی: مور (mur)

مور ابیاتی است آهنگین در وزن هجایی، مقفا و گاه مُردَف که بیشتر زنان در رثای

عزیزان از دست رفته میسرایند مور یا «پایه‌موری» / payamuri «آهنگی شبیه هوره دارد اما با مضمونی غمناک و صدایی حزن انگیز که تا بُن جان انسان رسوخ میکند، مور معمولاً در مصراعهای ده هجایی همراه قافیه و گاه ردیف سروده و خوانده میشود. معمولاً ابیات فی‌البداهه و توسط کسی که مور میخواند «موورهار» / murhār «سروده میشود. (مردمشناسی قوم کلهر، جعفریگی، ص: ۳۶۲).

نمونه ده هجایی:

ئو وه مه گی رن گی ری دان به سه
sa ba dān ri gi ren gi ma wa ?ü
بی لا ب گی رم حه قم وه ده سه
sa da wa qem ha rem gi be lā bi

برگردان: شما گریه نکنید، گریه شما کافی است / اجازه دهید من گریه کنم. زیرا من سزاوار گریه کردم.
مثالهای بیشتر:

نمونه: برا چو خاسه ئه هزارى بوود / سه ره وه بی برا دژمن باری بوود
berā čü xāsa ?ar hezārē bud / sar wa bē berā dežmen bārē bud

برگردان: برادر خیلی خوب است اگر انسان هزار برادر داشته باشد. انسان بدون برادر دشمن بر او مسلط میشود.

در بین مردم کلهر داشتن برادر از چند جهت امتیاز بسیار بزرگی است. یکی این که در جنگها و درگیریهای قبیله‌ای پشتیبان هم بودند و دیگر اینکه در کارهای کشاورزی و دامداری به هم کمک میکردند. تکیه کلام آنها درموقع از دست دادن برادر این بود که میگفتند: پشتم شکست. یعنی قدرت و تواناییم را از دست دادم.

نمونه: ئی خوهر زهرده له کوو بوود ئاوا / داخل بوود وه خاک جه‌نه‌ته‌ل ماوا
?ē xware zarda la ku bud ?āwā / dāxel bud wa xāke janatal māwā

برگردان: این خورشید طلایی در کجا غروب میکند؟ وارد بهشت میشود.
غروب خورشید، استعاره از مرگ عزیز از دست رفته است و اعتقاد دارند که جایگاه او در بهشت است.

نمونه: یه وه کوو چیده خان که‌مه‌ر زهر / چیده وه شکار ئاهوووان له‌به‌ر
ya wa ku čida xāne kamar zař / čida wa šekār ?āhuwān la bař

برگردان: ای خان کمر زرین! به کجا رفته‌ای؟ / به شکار آهوان کوهستان رفته‌ای؟
شایان ذکر است، که در شعر بالا تجاهل‌العارفی زیبا مشهود است و این از آن روی است
که کله‌رها از شدت غم و غصه، مرگ عزیزشان را باور نمیکنند و خود را به نادانی میزنند تا
بدین وسیله از شدت غم و غصه خود بکاهند یعنی مرگ او را باور نمی‌کنند. میگویند
نمرده‌است بلکه به شکار رفته‌است.

نمونه: ته ک بیه وهو سون دیواخانه‌وا / چو خان خر بخوه وه میه‌وانه‌وا
tak bēya waw sūne diwāxānawā / čū xān xeř bexwa wa
myawānawā

برگردان: به ستون سالن پذیرایی تکیه بزن / و مانند خان از مهمانان سرکشی کن. (مردم
شناسی قوم کرد، جعفر بیگی: ص ۳۶۳)

نمونه: یه وه کوو چیه گیو گووده‌رزم / له کولی که‌نیه زوان به‌رزم
ya wa ku čēya giwe gudarzem / la koli kanēya zowāne barzem

برگردان: گیو گودرز من به کجا رفته‌است. من از فقدان او لال شده‌ام. (همان)

۷-۳- سوگ قهرمانان: چه‌مه‌ری / čamari

چمری مراسمی است در سوگ و بزرگداشت قهرمانان که معمولاً چند روز بعد از
خاکسپاری برگزار میشود. اگر در زمستان کسی فوت نماید آن را به فصل خوش موکول
مینماید. زیرا اجرای این مراسم به فضای باز نیاز دارد. مراسم چمری مخصوص قهرمانان،
سران، بزرگان و افراد صاحب نفوذ ایل و طایفه میباشد و هیچگاه برای افراد عام و زنان
چنین مراسمی برگزار نمی‌شود. امروزه بعضی آن را همزمان با مراسم «پرسه» به صورت
همگانی برگزار میکنند.

برای اجرای چمری در یک فضای باز سیاه چادرهایی را برای استراحت مهمانان برپا
میکنند یک روز قبل، از افراد طوایف و ایلها (زن و مرد) به صورت شفاهی برای شرکت در
مراسم دعوت میکنند. همچنین افرادی را برای پذیرایی مشخص میکنند (بیشتر پذیراییها
در این مراسم چای و آب و شربت میباشد) مادیانی را با رختخواب پیچ، تزئین نموده، زین
را به صورت نگون بر روی آن قرار میدهند، اسلحه و لباسهای متوفی را بر آن می‌آویزند،
دست و پای او را مینندند، توبره‌ای خالی بر سرش میکنند، یال و دم آن را به سبک
گذشته می‌برند. (آیین‌ها در شاهنامه، آبادی باویل: ص ۶۷)

چمری برگرفته از آیینی کهن است، چرا که در شاهنامه، در سوگواری اسفندیار چنین
آمده است:

پشوتن همی بود پیش سپاه بریده بش و دم اسب سپاه

برو بر نهاده نگونسار زین ز زین اندر آویخته گرز کین
همان نامور خود و خفتان اوی همان جامه و مغفر جنگجوی

سپه رفت و بهمن به زابل بماند ز مژگان همی خون دل برفشاند
(شاهنامه فردوسی، به تصحیح ژول مول، جلد چهارم و پنجم، بیت ۳۹۲۶-۳۹۲۹ ص ۱۲۹۹)

پس همانطوری که در شاهنامه آمده، این رسم دارای قدمت دیرین است؛ به این اسب و تشکیلات آن «کوتهل / kotal» می‌گویند، علاوه بر این، علمهایی از پارچه‌های سیاه برپا میکنند. برای این منظور از افراد بدپه‌گو و شاعران محلی دعوت میشود که در محل به آنها «بووش / büš» میگویند. از نوازندگان دهل و سرنا نیز دعوت میکنند در وسط جایگاه با قرار دادن سنگها روی هم چیزی مثل مخروط مانند درست نموده که به آن «چه‌مه‌رگا / čamargā» میگویند و آن را به صورت یادمان تا سالها باقی میماند و قابل احترام است و کسی آن را خراب نمیکند. (مردمشناسی قوم کرد، جعفر بیگی، خسرو: ص ۳۶۷)

نمونه‌هایی از اشعاری که در چمری میسرایند:

اشعاری که در چمری سروده میشود به جایگاه و موقعیت فرد متوفی بستگی دارد و پس از سرودن هر بیت توسط شاعر چمری‌گو این مصراع توسط همراهان او دوبار تکرار میشود: آخه‌میر رهو هه‌ی رهو رهو هه‌ی رهو رهو هه‌ی زوور هه‌ی سته‌م / خاک وه بی زه‌نجیر شیر کردیه مکهم

نمونه: هه‌ی داد هه‌ی بیداد هه‌ی زوور هه‌ی سته‌م / خاک وه بی زه‌نجیر شیر کردیه مکهم

haŷ dād haŷ bēdād haŷ zur haŷ setam / xāk wa bē zanjir šēr
kerdeŷa mekam

برگردان: این خیلی زور و ستم و بی‌انصافی که خاک بدون غل و زنجیر شیری را محکم بسته‌است کنایه از مرگ دلاوران. در واقع نوعی اعتراض به روزگار و زمانه است.
نمونه: د حاکم داشتیم له‌تاله‌م مه‌یشوور / ئمیرئه‌زه‌م سه‌نگ کردیه وه ماموور

de hākem dāštīm la ?āḷam maŷšur / ?amir ?azam saŋ kerdeŷa wa
māmur

برگردان: دو حاکم داشتیم که در جهان مشهور بودند؛ امیر اعظم سنگ مامور میکرد. منظور از دو حاکم امیر اعظم و امیر مخصوص میباشد. مشهور است که امیر اعظم، سلیمان خان، سنگهای مخصوصی داشت و هرگاه کسی را احضار میکرد، آن سنگها را به عنوان مامور، توسط کسی برای او میفرستاد.

اشعار چمری فوق توسط مرحوم ناصر سهامی از ایل علیرضاوندی جهت عباس‌خان و سلیمان‌خان قبادیان (سران ایل کلهر) سروده شده‌است. (مردم‌شناسی قوم کرد، جعفر بیگی: ص ۳۶۵)

۸- اشعار سرگرمی

۸-۱- فال سروده‌ها

در مناطق کلهر نشین از فال و فالگیری برای رسیدن به آرزوها و پیش‌بینی اوضاع و گاهی برای پیدا کردن گمشده‌های خود و اموال سرقتی استفاده می‌کنند. یک نوع از فالگیری این است که فردی نوزادی را روی دست خود یا در حالت ایستاده نگه می‌دارد، در حالیکه در دل نیت میکند خطاب به نوزاد می‌گوید: اگر انجام این کار خیر است پای راست را بلند کن و اگر شر و بی نتیجه است، پای چپ را بلند کن و این کلمات را بر زبان می‌آورد:

منال پاری یا ئمسالی / خهور له خانه خودا داری. *menāle pāri ya emsāli / xawar*
la xanay zodā dāri. بالاخره کودک خسته میشود و یکی از پاهایش را بلند میکند. که اگر پای راستش را بلند کرد عاقبت کار خوب است و اگر پای چپش را بلند کرد، عاقبت آن کار خوب نیست و منصرف میشوند.
 یک روش دیگر در ایل کلهر برای تفال، به «شهو شمه‌کی» معروف است و ازین قرار است که شخصی که مراد یا آرزویی دارد، شب شنبه خود را در پشت سیاه چادر یکی از همسایگان پنهان میکند و با خودش می‌گوید:
 شهو شمه دالگ شه‌مه / قسیه خاصی بنه‌ئه و ده‌مه

šaw šama dālege šama / qesyae xāse bena aw dama.

یعنی: شب شنبه مادر شنبه حرف خوبی در آن دهان بگذار.

که اگر کسانی که در داخل آن سیاه چادر نشسته‌اند در باره موضوع خوبی صحبت کنند آن شخص آن را به فال نیک می‌گیرد اما اگر در باره موضوع بدی صحبت شود انجام آن کار منتفی میشود.

۸-۲- بازی سروده‌ها

۸-۲-۱- چیستان: (چه‌و چه‌و / *čaw čaw*)

در گویش کلهری به آن «چه‌و چه‌و» می‌گویند. یکی از سرگرمیهایی که مردم کرد این منطقه، اوقات فراغت خویش را با آن سپری می‌کنند، چیستان است. چیستان، اغلب در شب نشینی‌ها زمانی که مردم گردد هم می‌آیند به میان کشیده میشود. چیستانها بیشتر

ساخته و پرداخته ذهن پویای مردم کرد این منطقه است و بسیاری از آنها نیز از جانب مردم مناطق دیگر وارد شده‌است. (کلهرنامه، محمدی: ص ۱۲۱) در کتاب کلهرنامه مینویسد: «یکی از سرگرمیهای خلاق چهو چهو (چیستان) است که در شب نشینیها و نشستهای جمعی خانواده‌ها، همسایگان، فامیل و دوستان مرسوم بوده‌است. بزرگان جمع با مطرح کردن سوالاتی حکیمانه دیگران را وادار به تفکر و پاسخ مینمودند. این سرگرمی بسیار هیجان انگیز و زیبا، شخص پاسخ دهنده را به عنوان فردی با هوش و خلاق به جمع معرفی میکرد». اکنون نمونه‌هایی از چیستانهای رایج در منطقه را ذکر میکنیم:

نمونه: خاون هه‌وش له لید توام جفتی که‌وش، بی‌ده‌رزی و بی‌ده‌ره‌وش
xāwen hawš lalid twām jefte kawš / bi darziyo bi derawš.

برگردان: ای صاحبخانه، یک جفت کفش از تو می‌خواهم، بدون سوزن و درفش. جواب:
رکاو (= رکاب)

نمونه: دار هفده‌پل، بی که‌کن بی‌سایه/ هه‌یشتی له خوره، نووی له سایه
dāraile haft pal bi kan bi sāya / hašti la xwara nwy la sāya.

برگردان: درخت هفده شاخه بی سایه‌ای، هشت شاخه‌اش در آفتاب و نه شاخه‌اش در سایه. جواب: نماز

نمونه: دالگ یه کوو، کور هزار/ هولگه هولگه و کلاودار
dāleg yaku kor hezār / hulega hulegaw kelāw dār.

برگردان: یک مادر و هزار پسر همه قهوه‌ای رنگ و کلاه به سر. جواب: به‌رو (= بلوط)
(فرهنگ عامه کرد، پرنیان: ص ۱۰۴)

آنچه که قابل تأمل است چیستان در کلهری برگرفته از طبیعت است. طبیعتی که در زندگی مردم ساری و جاریست. کاربرد چیستان صرفاً نوعی بازی و سرگرمی نیست، بلکه با آموزش همراه است. شناخت طبیعت پیرامون خود، گلها، گیاهان و جانوران از مزایای کاربرد چیستان است. ذهن مردم را برای شناخت اشیا پیرامون خود خلاق میکند تا آنها را برای کار و زندگی آماده کند و نوعی اتحاد و همبستگی بین آنها ایجاد نماید. در گذشته که در روستاهای دور افتاده از کلاس درس و مدرسه خبری نبود، ذهن کودکان را با این نوع چیستانها به چالش میکشیدند و در واقع مهارت آموزی میکردند و آنها را برای زندگی آماده میکردند. علی رضا شوهانی (۱۳۹۳) در فصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه شماره ۴ مینویسد: «به جرئت میتوان گفت که مهمترین ویژگی این نوع ادبی، شفاهی بودن آن است که از گذشته‌های دور تا به امروز، سینه به سینه نقل شده و ماندگاری یافته‌است. این ویژگی چیستان، بیانگر این واقعیت است که این نوع بر خلاف دیگر انواع ادبی، جنبه

شفاهی داشته و افزون بر شاعران و ادیبان، در میان عامه مردم نیز رونق و رواج یافته است. این امر شاید به سبب کارکردهای عام و متنوع چیستان است که از جمله آنها میتوان به جنبه سرگرمی و خلاقیت‌بخشی، باریک‌بینی، تفکر، تشحیذ ذهن، اندیشه ورزی و ... اشاره کرد.»

۹- اشعار سرور

۹-۱- سرورهای ملی

ترانه‌های ملی، اغلب در جشنهای ملی و فصلی مثل نوروز، تیرگان، سده، چهارشنبه سوری و مانند آن خوانده میشود. یکی از انواع اشعار و ترانه‌های ملی، ترانه‌های پیشواز نوروز و بهار هستند که نوید نوروز میدهند. مثل نوروز خوانی. اشعاری که نوروز خوانان چند روز پیش از آغاز نوروز در دسته‌های چهار و پنج نفری در کوچه‌ها میخوانند این مراسم با عناوینی چون بهارخونی، نوروزخونی و امامخونی نیز مشهور است. (زبان و ادبیات عامه ایران، ذوالفقاری: ص ۳۴۱).

در ایل کلهر، قبل از تحویل سال جوانان در پشت بامها حاضر میشوند و از سوراخ پشت بام که معمولا جای لوله بخاری است کیسه یا زنبیلی را به طناب بسته به پایین آویزان میکنند و این عبارات را میگویند:

شهو شهو براته / چشتی بنه تو ئی خلاته

šow šow berāta češte benatu ?ē xelāta

برگردان: شب، شب بخشش و شادی و سرور است. وسیله ای داخل این لباس بگذار. و مردم چیزهای را که داشتند می‌آوردند و در آن می‌گذاشتند. (فرهنگ عامه کرد، پرنیان: ص ۲۳۲)

یادآوری میشود که در واقع شب برات شب پانزدهم شعبان است (فرهنگ معین) که در این شب مردم به شادی و سرور می‌پردازند. این نشانه پیوندی است که مردم کلهر بین جشنهای باستانی و اعیاد مذهبی برقرار میکنند. خلات (= خلعت): لباس و پوششی که خانواده داماد به عروس یا خانواده او میدهند. (فرهنگ فارسی عمید) رسم است در ایل کلهر برای بستگان درجه یک عروس هدیه‌ای که معمولا نوعی پوشش است، تهیه میکنند.

۹-۲- سرورهای دینی و مذهبی

این اشعار را مردم در اعیاد و جشنهای دینی و مذهبی بکار می‌برند. بخشی از اشعار سرورهای دینی مربوط به تولد بزرگان دین مثل تولد پیامبر یا ائمه است که به مولودی معروف است (زبان و ادبیات عامه ایران، ذوالفقاری: ص ۳۴۲).

اکنون ابیاتی از سرورهای دینی و مذهبی را ذکر میکنیم:

یا علی هانای شیر وه خوران کهر / ئیژدها وه ته نگ نال وه گران کهر
yā ali hānāy šir wa xorān kar / eyždehā wataṇ nāl wa gerān kar.

برگردان: ای علی که شیر خشمگین را رام میکنی و اژدها را نعل میکنی.
یا علی هانا یه چم نیله / موسلمان وه ده س کافر زه‌لیله
yā ali hānā ya čame nila / mesalmān wa das kafer zalila.

برگردان: ای علی در گرداب رود نیل افتاده‌ام؛ مسلمان به دست کافر ذلیل شده‌است.
یا علی هاوار فره ته‌نگمه / وینه‌ی ریواره‌یل له‌ری له‌نگمه
yā ali hāwār fera taṇema / wīnay rīwārayl larī laṇema.

برگردان: ای علی در تنگنای زندگی افتاده‌ام؛ مانند رهگذران در راه مانده‌ام.
یا علی هانای فہرد فہریاره‌س / برہس له هانای دہرمنہ‌ی بی‌کہس
yā ali hānāy fared faryāras / beras la hānāy darmenaṽ bē kas.

برگردان: ای علی که فریادرس انسانهایی، به داد فقرا و بیچارگان برس.
پرشہ‌ی جہمالی دل دل ها ژیری / وه شکل و شیوہ‌ی حہیدہ‌ری دیری
prešaṽ jamālī del del hā žērē / wa šekl lo šēwaṽ heṽdarē dērē.

برگردان: درحالی که بر اسبش سوار است، نورش عالم گیر است و جمال و کمال حیدری دارد.

وهو شال سه‌ین وەر وەر گریه وه / وهو چوار ئاینه‌ی پشت له زریه وه. (کلهرنامه ، محمدی :
ص ۱۱۳)

waw šāle sayene war war geryawa / waw čwār āyenaṽ pešt la
zerya wa.

برگردان: با آن شال سنگین و گره اندر گره‌ات؛ با آن چهار آینه پشت زره‌ات.

۱۰- اشعار تغزلی

درگوش کلهری آوازهای عاشقانه بیشتر به وسیله مردان خوانده میشود. شعر آن آهنگ
هجایی دارد و نجابت و پاکی در آن موج میزند. آوازهای عاشقانه کلهری به دور از الفاظ
رکیک میباشد و معمولاً دارای ملاحظت خاصی است. در زیر نمونه هایی از آوازهای عاشقانه
که نگارنده خود از زبان مردم شنیده است می‌آورد.

وه زلف سیه کردید پاوه‌نم / چمان ئه‌سیر چای ده‌ماوه‌نم
wa zelfe siya kerdid pāwanem / čemān ?asire čāṽ damāwanem

برگردان: با زلف سیاهت مرا پابند عشق خودت کردی. گویی اسیر چاه دماوند هستم.
 وه‌هار وه‌ی نه‌غمه‌ی چه‌ندین ره‌نگه‌ وا / هه‌ر مه‌لی گولی گرت وه‌چه‌نگه‌ وا
 wahār waŷ naŷmaŷ čandin řaŋawā / har malē goḷē gert wa čaŋawā

برگردان: بهار با آن نغمه‌های رنگارنگش آمد. هر پرنده‌ای گلی به منقار گرفته‌است.
 موسیقی، رنگ، گل و پرنده، در اشعار کلهری جایگاهی خاص دارد که توصیف زیبایی بهار
 حکایت از آن دارد. همچنین تشخیص از ویژگیهای شعر کلهری است. بهار با سردادن
 آوازهای متنوع از راه میرسد و پرندگان، در حالی که هر یک گلی به منقار دارند، نوید
 آمدن بهار را سر میدهند که این تنوع رنگ و موسیقی در پوشیدن لباسهای رنگارنگ زنان
 و دختران کلهری تاثیر گذار بوده‌است.

له‌دورا هاتی وه‌تم یه‌یاره / گلاره‌م کوور بوو یه‌خوو ریواره
 la dūrā hāti watem ya yāra / gelāram kur bu ya xu řēwāra

برگردان: از دور که تو را دیدم، فکر کردم که یارم دارد می‌آید. چشمم کور شود، این که
 ره‌گذر است، که دارد می‌آید.

ئیواره‌دیمه‌د کاشکه‌نه‌یامه‌د / وه‌پیم نیشان داید گوشه‌قیامت
 ?ēwāra dimad kāška nayāmad / wa pim nišān dāyd gušaŷ qŷāmat

برگردان: هنگام غروب تو را دیدم کاشکی نمیدیدم. زیرا به حالی رفتم که گوشه‌ای از
 قیامت به من نشان دادی.

ته‌نیا داری بوم تیه‌نگی له‌پامو/گه‌ل گه‌ل نازاران دایه‌م له‌سامو
 یه‌سه‌پیر بومه‌گولم رزیایه / گه‌ل گه‌ل نازاران وه‌پیام بریایه
 tanyā dārē būm tyaneḡē la pāmū / gal gal nāzārān dāŷam la sāmū
 yasa pir būma goḷem řezyaŷa / gal gal nāzārān wa pām beŷyāŷa

برگردان: تک درختی بودم که چشمه‌ای در پای من می‌جوشید. دختران زیبا گروه گروه در
 سایه من می‌آرمیدند. حالا پیر شده‌ام، برگ و گلم ریخته‌است. دیگر از دختران زیبا خبری
 نیست.

نوستالژی یا غم غربت، بازگشت به دوران جوانی و یاد شادیهای گذشته در سراسر این
 سروده موج می‌زند. شاعر یه یاد گذشته‌های شیرین خود می‌افتد که روزگاری بیا و برویی
 داشته‌است. وی خود را به درختی تشبیه کرده که زیبا رویان در سایه آن می‌آرمیدند و از
 چشمه زلالی که در پای آن می‌گذشته، سیراب میشدند و حالا که پیر شده و قامتش
 خمیده، دیگر از زیبارویان، خبری نیست و تک و تنها مانده‌است.

نتیجه‌گیری

با توجه به بررسیهای انجام شده، در این مقاله، دریافتیم که اشعار کلهری در برقراری ارتباطات اجتماعی میان اقوام و نیز تداوم فرهنگ و میراث‌های فرهنگی به نسل‌های بعد و نیز ارتقای هویت قومی از اهمیتی خاص برخوردارند. پژوهنده که خود از گویشوران این قوم است، گونه‌های اشعار کلهری را با توجه به مضمون و کارکردهای اجتماعی به هفت طبقه تقسیم کرده است: اشعار نیایش. اشعار خواب و نوازش. اشعار کار. اشعار سوگ. اشعار سرگرمی. اشعار سرور. اشعار تغزلی. مقاله حاضر به روش کتابخانه‌ای و میدانی به سبک تحلیلی-توصیفی، انجام شده است و به نتایج زیر دست یافته‌ام:

۱. ضرب‌المثلها که اکثراً منثور بودند (جز چند مورد که از انگلستان یک دست تجاوز نمی‌کردند) در گونه‌های اشعار کلهری قرار نمی‌گیرند.
۲. مضامین هوره در گذر زمان تحول و تطور یافته‌است. به عبارت دیگر از مضامین عرفانی (دوره ساسانیان) به وصف طبیعت (سروده‌های علی‌نظر) و بعد از آن به صورت تغزل در وصف معشوق (سروده‌های صید قلی) و در دهه شصت در مضمون حماسی در وصف رزمندگان و شهیدان (سروده‌های حسینی) تحول یافته‌است.
۳. در گونه اشعار کار علاوه بر هم‌آزایی و اتحاد، باورهای آیینی و توسل به بزرگان دین و ائمه اطهار موج می‌زند.
۴. ترجیح معنا بر وزن و قافیه در اشعار کلهری نمایان است که این نقیصه با آهنگ جبران میشود.
۵. اشعاری که در مثالها و نمونه‌ها مورد بررسی قرار گرفت، همگی دارای وزن هجائیند. البته در برخی از اشعار یک یا چند حرف اضافی وجود دارد که میتوان از ویژگیهای شعر هجایی به حساب آورد. همچنین در بعضی نمونه‌ها اساس قافیه بر نزدیکی تلفظ حروف است نه بر یکسان بودن حروف پایانی.

منابع و مأخذ

- ۱- آیینها در شاهنامه، آبادی باویل، محمد. چاپ اول. تبریز. دانشگاه تبریز. ۱۳۵۰.
- ۲- مقدمه‌ای بر شناخت ایلها، چادر نشینان و طوایف عشایری. افشار سیستانی، ایرج. چاپ اول. تهران. انتشارات زرین. ۱۳۷۲.
- ۳- هوره یادگار اجداد کرد. باوان پوری، مسعود. دو ماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه. سال ۵. ش ۱۳. ۱۳۹۶.
- ۴- فرهنگ عامه کرد. پرنیان، موسی. فرهنگ عامه کرد. کرمانشاه انتشارات چشمه هنر و دانش. ۱۳۸۰.
- ۵- مردم‌شناسی قوم کرد. جعفری‌گی، خسرو. کرمانشاه. انتشارات زانیا. ۱۳۸۲.
- ۶- زبان و ادبیات عامه ایران. ذولفقاری، حسن. تهران. انتشارات سمت. چاپ دوم. ۱۳۹۶.
- ۷- گونه‌شناسی بومی سروده‌های ایران. ذوالفقاری، حسن. فصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه. ش ۷ و ۸. ۱۳۸۸.

- ۸- آیین سوگواری و مرثیه‌ها در ایل کلهر ایران. سروشزاده، سعید. "orientalia". ش. ۱۰. ص ۷۹-۸۶، ایروان، ۲۰۱۰.
- ۹- جایگاه گویش کرمانشاهی در سیستم گویشهای ایرانی. سروشزاده، سعید. ایروان. "orientalia". ش. ۱۳. ص ۱۱۵-۱۱۲. ۲۰۱۱.
- ۱۰- سیستم صامتی گویش کردی کرمانشاهی. سروشزاده، سعید. ایروان. "orientalia". ش. ۱۴. ص ۴۷-۴۲. ۲۰۱۳.
- ۱۱- اسم در گویش کردی کرمانشاهی. سروشزاده، سعید. ایروان. "ایران‌نامه". ش ۴۱. ص. ۵۹-۶۰. ۲۰۱۳.
- ۱۲- پژوهشی در بازیهای زبانی ادبیات عامه کردی ایلام. سهراب‌نژاد، علی‌حسن. پژوهشی در بازیهای زبانی ادبیات عامه کردی ایلام. فصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه. سال ۴. ش ۸. ۱۳۹۵
- ۱۳- شاهنامه. فردوسی، ابوالقاسم. ژول‌مول. تهران. انتشارات انقلاب اسلامی. چاپ سوم. ۱۳۶۹
- ۱۴- زیبا شناسی ضرب المثل‌های کردی ایلامی از دیدگاه علم بیان عزیزی‌فر، امیرعباس. فصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه. ش ۲. ۱۳۹۲
- ۱۵- فرهنگ عمید. عمید، حسن. تهران. انتشارات جاویدان. ۱۳۵۰.
- ۱۶- کلهرنامه. محمدی، ناهید. تهران. انتشارات دستان. چاپ اول. ۱۳۹۱.
- ۱۷- فرهنگ فارسی معین. معین، محمد. تهران. انتشارات امیرکبیر. چاپ هشتم. ۱۳۷۱.